نظریه اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران



الهمراد سیف
عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (قده) در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ فرمودند. در این ابلاغ فائق آمدن بر همه مشکلات، به شکست و عقب نشینی وادار کردن دشمن، حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و تحقق اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو در شرایط پر مخاطره جهانی و عینیت بخشیدن به الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را به‌عنوان هدف اقتصاد مقاومتی متذکر شده‌اند. آنچه در این ابلاغیه از جانب ایشان خواسته شده از جمله «تهیه نقشه راه» برای عرصه‌های مختلف است و ایشان تصریح فرموده‌اند «لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید». متن حاضر، که برگرفته از کتاب «درآمدی بر نظریه اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» نوشته اینجانب در سال ۱۴۰۱ است، به دنبال الگویی برای تهیه نقشه راه پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در عرصه سیاست‌گذاری و اجرای صحیح آنها بوده، بر این اعتقاد است که چارچوب ابلاغی اقتصاد مقاومتی دارای نقشه‌ای علمی و منسجم از عرصه‌ها و اهداف موضوعی مختلف و ارتباط پسینی و پیشینی مهمی است که فهم ارتباط‌های سلسله‌مراتبی آن در فهم کلیت سند اهمیت بسزایی دارد. متن حاضر با بیان مفهوم اقتصاد مقاومتی در ادبیات جهانی، در قسمت دوم راهبردهای تاب‌آوری اقتصاد را بسط داده، قسمت سوم را مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران اختصاص داده و پس از آن در قسمت چهارم به سطح‌بندی گام‌های پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در انتها با رعایت ملاحظه اختصار، جمع‌بندی لازم ارائه شده است.

اقتصاد مقاومتی در ادبیات جهانی

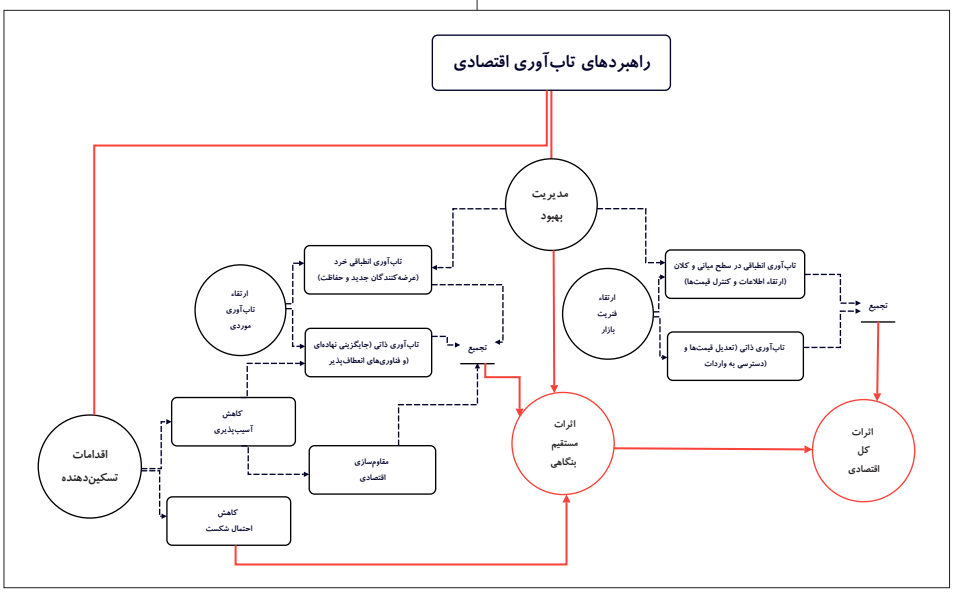
در عصر حاضر با جهانی شدن اقتصادها هیچ اقتصادی نیست که در معرض حوادث و تکانه‌های خارج از خود قرار نگیرد و این تنها مختص اقتصادهای کوچک هم نیست. اقتصادهای بزرگی مانند چین و آمریکا نیز در تاریخ معاصر خود تکانه‌های مهمی را تجربه کرده اند. در ادبیات جهانی در بررسی سیاست‌های مواجهه کشورها با بحران‌های مختلف از اصطلاح «تاب‌آوری» به

جای «اقتصاد مقاومتی» استفاده می‌شود. تاب‌آوری اقتصادی را «لینو پریگولیو» به صورت «توان از عهده برآمدن» یعنی قادر بودن یک کشور به ایستادگی و پَس‌جَستن از تکانه‌های خارجی تعریف کرده، «رومَن دووال» آن را «توان نگهداشت سطح عملکرد در نزدیک ظرفیت پس از وقوع تکانه» دانسته و «کارل آی‌گینگِر» آن را «توان یک اقتصاد در زمینه کاهش احتمال عمیق‌تر شدن بحران و یا حداقل بهبود آثار یک بحران» برشمرده است. «لینو پریگولیو» معتقد است که اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی به دو مفهوم «توانایی اقتصاد برای بهبودی سریع از تکانه‌های اقتصادی تخریب کننده خارجی» و «توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر اثرات این تکانه‌ها» قابل تعمیم است. در اینجا توان اقتصاد برای بهبود یافتن از اثرات تکانه‌های مخالف بشدت محدود خواهد شد اگر برای مثال کسری‌های مالی مزمن وجود داشته باشد. از طرف دیگر این توان ارتقاء خواهد یافت اگر ابزارهای سیاستی بتواند برای خنثی‌سازی اثرات منفی تکانه‌ها مورد استفاده قرار گیرد، مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می‌تواند مخارج احتیاطی و یا تخفیف‌های مالیاتی را برای برخورد با اثرات منفی تکانه‌ها مورد استفاده قرار دهد. این نوع از تاب‌آوری اقتصادی نوعی «تقابل با تکانه» می‌باشد. توانایی ایستادن در برابر تکانه‌ها هنگامی متصور است که تکانه‌ها خنثی و یا ناچیز باشند. همچنین این نوع از تاب‌آوری هنگامی ممکن است که اقتصاد از سازوکارهایی برخوردار باشد که اثرات تکانه‌ها را کاهش دهد که در واقع با عنوان «جذب تکانه» از آن نام برده می‌شود. برای مثال وجود یک بازار انعطاف‌پذیر می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای جذب تکانه‌ها عمل کند. به‌طور کلی، تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند ایستا و یا پویا باشد. تاب‌آوری اقتصادی ایستا به مفهوم توان و یا ظرفیت یک سیستم برای جذب و یا منعطف شدن در برابر خطر و یا زیان است. در تعریف عمومی‌تر آن، که ملاحظات پویا بودن و ثبات را نیز در خود دارد، تاب‌آوری اقتصادی به توان یک سیستم برای بهبود یافتن از یک تکانه پایدار گفته می‌شود. همچنین بنا به‌نظر «آدام رز» می‌باید میان دو نوع تاب‌آوری اقتصادی «ذاتی» و «انطباقی» تفاوت گذاشت. تاب‌آوری اقتصادی ذاتی، توانایی در شرایط عادی یعنی توان جایگزینی دیگر نهاده‌ها برای نهاده‌هایی که از طریق تکانه خارجی با مشکل مواجه شده یا توان بازارها برای بازتخصیص منابع در پاسخ به علامت‌های قیمتی است. این نوع از تاب‌آوری برآمده از مولفه‌های ذاتی یک اقتصاد بوده و برساخته سیاست‌ها نیست. تاب‌آوری اقتصادی انطباقی نیز به توانایی در شرایط بحران ناشی از قوه ابتکار و تلاش فوق عادی، یعنی بالا بردن توان جایگزینی نهاده‌ها در عملیات بازرگانی یا تقویت بازارها از طریق کامل کردن اطلاعات عوامل اقتصادی عرضه‌کننده و تقاضاکننده برای پیدا کردن یکدیگر باز می‌گردد. این نوع از تاب‌آوری اقتصادی به خودی خود وجود ندارد بلکه کاملا تدبیری و سیاست‌ساخته است. نگاه دیگر این رویکرد آن است که ریسک تخریب شدن اقتصاد بر اثر تکانه‌های خارجی از دو عامل تاثیر می‌پذیرید. عامل اول میزان آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد کشور است و عامل دوم توان روبرو شدن اقتصاد با تکانه‌های خارجی و یا تاب‌آوری اقتصادی است که تفاوت این دو میزان ریسک کشور را تعیین خواهد کرد. نتیجه این بحث این خواهد شد که برای ایجاد شرایط تاب‌آوری اقتصادی کارآمد، لازم است کشور بتواند از یک طرف تا جایی که ممکن است آسیب‌پذیری‌های ذاتی خود را کاهش دهد و از طرف دیگر سیاست‌های اقتصادی را به کمک گرفته و انعطاف‌پذیری شایسته‌ای را در برابر بحران‌ها و فشارهای خارجی ایجاد کند. با این دو راهبرد کلی، شرایطی مشابه (اگرچه غیر کامل) آنچه از مفهوم اقتصاد مقاومتی در ادبیات ج.ا.ایران متصور است قابلیت دستیابی خواهد بود .

راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی

دو راهبرد تاب‌آوری اقتصادی شامل مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی است. هر دوی این راهبردها می‌توانند تاب‌آوری اقتصادی ذاتی را ارتقاء دهند. تا کنون هیچ یک از آن دو بر دیگری ترجیح داده نشده است. اقدامات تسکینی نوعا در جهت کاهش احتمال شکست و نیز کاهش آسیب‌پذیری از طریق ارتقاء مقاومت اقتصادی عمل می‌کند. مدیریت بهبود معمولا در جهت فراهم‌سازی کمک‌های جانبی به بنگاه‌ها و خانوارهایی که از شرایط پیش آمده متاثر شده‌اند و نیز کاهش زمان بهبود عمل می‌کند. بخش اول مدیریت بهبود یعنی اقدامات کمکی جانبی با تاب‌آوری اقتصادی سازگاری ندارد، زیرا تاب‌آوری اقتصادی بر خوداتکایی گروه‌های اجتماعی در مفهوم گسترده‌تری از توانایی پایداری تاکید می‌کند. با این وجود رهیافت کاهش زمان بهبود نقشی کلیدی در توسعه مفهوم تاب‌آوری اقتصادی برای دربرگرفتن عناصر پویاتر دارد. تاب‌آوری اقتصادی در سه سطح قابلیت پیاده‌سازی دارد که عبارتند از ۱- سطح خرد: شامل بنگاه‌ها، خانوارها و سازمان‌های منفرد، سطح میانی شامل بخش‌های اقتصادی، بازارهای منفرد یا گروه‌های تعاونی و ۳- سطح کلان شامل ترکیب واحدها و بازارهای منفرد با این توجه که

این ترکیب به دلیل وجود کنش‌های متقابل در اقتصاد به مفهوم جمع ساده واحدها و بازارها نیست. نگاه دیگر این رهیافت این است که ریسک تخریب شدن اقتصاد بر اثر تکانه‌های خارجی از دو عامل تاثیر می‌پذیرید. عامل اول میزان آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد کشور است و عامل دوم توان روبرو شدن اقتصاد با تکانه‌های خارجی و یا تاب‌آوری اقتصادی است . تفاوت این دو، میزان ریسک کشور را تعیین خواهد کرد. تاب‌آوری پرورش‌یافته توان مقابله یک اقتصاد برای ایستادگی در برابر و یا رد کردن تکانه‌های خارجی است که بر اثر سیاست‌گذاری اقتصادی و توسط دولت ایجاد می‌شود و ماحصل حکمرانی خوب، مدیریت کلان اقتصادی خوب، کارآیی بازارها، انسجام اجتماعی و عواملی از این دست است. آسیب‌پذیری ذاتی تاثیرپذیری منفی یک اقتصاد از تکانه‌های خارجی ناشی از خصوصیت ذاتی اقتصاد است که ربط کمتری به سیاست‌گذاری اقتصادی و یا دولت ندارد و شامل میزان باز بودن اقتصاد، تمرکز صادراتی، وابستگی به واردات راهبردی و مانند است و ما محصل مختصات اقتصادی یک کشور و مولفه‌های اقتصادی تاریخی ذاتی آن است. از کسر این دو است که میزان ریسک اقتصادی مشخص می‌شود.



نمودار ۱. راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی

«لینو پریگولیو» چارچوبی را برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی پیشنهاد که شامل چهار عامل اساسی «ثبات اقتصاد کلان»، «کارایی بازارهای خرد»، «حکمرانی خوب» و «توسعه اجتماعی» است. ثبات کلان اقتصادی از آنجا به تاب‌آوری اقتصادی مربوط است که اگر تکانه اقتصادی منفی به اقتصاد وارد شود در حالی که پیش از آن اقتصاد کلان از نظر ثبات در وضعیت ضعیفی بوده باشد، آنگاه جای زیادی برای مانور وجود ندارد و بنابراین، سیاست‌های پولی و مالی در بسیج منابع کارآمد نخواهند بود، به‌طوری که اقتصاد را از اثرات چنین تکانه‌هایی حفظ کنند. به عبارت دیگر، سیاست‌های مناسب کلان اقتصادی برای سیاست‌های پولی و مالی این فرصت را فراهم می‌آورند که به تکانه‌ها پاسخ دهند. پریگولیو سه متغیر را برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی از جهت ثبات اقتصاد کلان پیشنهاد می‌دهد. این سه شاخص نسبت کسری مالی به تولید ناخالص داخلی، مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری و نسبت کسری خارجی به تولید ناخالص داخلی است. کارآیی بازار خرد برای هر اقتصادی در برخورد با اثرات منفی تکانه‌ها از طریق قادر ساختن اقتصاد به بازتخصیص منابع به استفاده‌های جایگزین از اهمیت اساسی برخوردار است. پریگولیو به‌عنوان یک جانشین برای کارآیی بازاری قسمتی از شاخص جهانی آزادی اقتصادی را که «تنظیم اعتبار، کار و

بازرگانی» است قرار می‌دهد. این شاخص میزانی را می‌سنجد که بازارها آزادانه، رقابتی و با کارآیی در میان کشورها عمل می‌کنند. این شاخص برای این منظور معرفی شده است تا تاثیر محدودیت‌های تنظیمی و رویه‌های بوروکراتیک بر روی رقابت و عملیات بازار را اندازه‌گیری کند. این شاخص بر کارآیی بازار مالی و بازار کار و نیز درجه کنترل بوروکراتیک بر کنترل تجاری متمرکز شده است. حکمرانی خوب از جمله زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب و بنابراین از

عناصر لاینفک تاب‌آوری اقتصادی است. این عامل مسایل زیادی را تحت پوشش قرار می‌دهد که از جمله شامل قانون‌گذاری، حقوق مالکیت، امنیت داخلی و بین‌المللی و مشارکت مناسب در چارچوب تجارت بین‌الملل می‌باشد. در غیاب حکمرانی خوب تکانه‌های مخالف به راحتی می‌توانند اوضاع اقتصادی و اجتماعی را مختل کنند. از این رو اثرات آسیب‌پذیری اقتصادی تشدید خواهد شد. پریگولیو بخشی از شاخص آزادی اقتصادی را که بر ساختار مشروع و امنیت حقوق مالکیت تمرکز دارد به‌عنوان شاخص حکمرانی خوب انتخاب کرده است. این شاخص بر استقلال قضایی، بی‌طرفی دادگاه‌ها، حمایت از حقوق مالکیت معنوی، عدم دخالت نظامی و جامعیت سیستم سیاسی و قانونی دلالت دارد. نهایتا توسعه اجتماعی مولفه مهم دیگر تاب‌آوری اقتصادی است. این عامل به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک جامعه به‌طور کامل توسعه یافته باشد، به‌طوری که دستگاه‌های اقتصادی را قادر سازد که بدون تاخیر ناشی از ناآرامی‌های مدنی عملکرد موثری از خود نشان دهند. توسعه اجتماعی را همچنین می‌توان به انسجام اجتماعی مرتبط ساخت که در آن رهیافت‌های جمعی منجر به استفاده از سنجه‌های درستی در مواجهه با تکانه‌های مخالف می‌شود. او برای توسعه اجتماعی از شاخص‌های آموزش و بهداشت مندرج در شاخص توسعه انسانی استفاده کرده است.

مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

آنچنان که از اسناد بالادستی و از جمله قانون اساسی برمی‌آید نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های اقتصادیِ متعارف در دیگر کشورها، که اغلب ارزش‌ها و اصول حاکم بر اقتصاد بازار را پذیرفته‌اند، تفاوت ماهوی و اساسی دارد. درنظام اقتصاد آزاد یا به تعبیر دیگر اقتصاد متعارف هدف کلی تامین کارایی و یا حداکثر رفاه و ابزار آن نیز رقابت و فعالیت آزاد بازارها در اقتصاد و نقش محدود دولت است. در چنین مکتب فکری مهم نیست که رفاه حداکثری چگونه و توسط چه کسانی تولید می‌شود و توزیع آن چگونه خواهد بود. در مقابل، نظام اقتصادی تعریف شده در قانون اساسی ایران هم در اهداف و هم در ابزارها با سایر نظام‌های اقتصادی کاملا متفاوت است. در مقدمه قانون اساسی آمده است «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجوئی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است». این مقدمه بخوبی فضای حاکم بر قانون اساسی را در ارتباط با نظام اقتصادی روشن می‌سازد. نکته جالب آن است که نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی به صورتی هدفمند به زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت‌ها که یک ارزش مبنایی در حکومت اسلامی و به عبارتی هدف متعالی همه پیامبران الهی می‌باشد گره خورده است. نظام‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه را می‌توان به دو نوع کلی همراه با نظام سلطه و رودرروی نظام سلطه تقسیم‌بندی نمود. نظام‌های همراه با نظام سلطه اگرچه می‌توانند آرمان‌های ملی خود را داشته باشند، لیکن تقسیم کار جهانی را پذیرفته و با جریان کلی نظام سلطه هماهنگی لازم را دارند و از این جهت در الگوی وابستگی متقابل جهانی، در بهترین حالت مانند کشور چین، سعی در ارتقاء جایگاه خود در اقتصاد جهانی دارند که در این نوشتار آن‌ها را در الگوی اقتصاد وابسته قرار داده‌ایم. اما در شرایط یک نظام اقتصادی مانند آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده

است که تحقق آرمان‌ها هدف اساسی اقتصاد است، وجود فشار و چالش از جانب نظام سلطه امری قطعی است. در این صورت، اقتصاد در یک دو راهی راهبردی قرار خواهد گرفت که یکی ایستادن پای آرمان‌ها و دیگری کنار آمدن با جریان سلطه و عبور از آرمان‌ها است. برای ایستادن بر سر آرمان‌ها، پیش بینی سازوکار لازم اقتصادی برای مقابله با فشارهای دشمن امر لازمی است که شرایط مقاومت اقتصادی را شکل می‌دهد و الگوی

اقتصاد مقاومتی را نتیجه می‌بخشد. در صورت عدم پیش‌بینی سازوکار اقتصادی برای مقابله اقتصاد دارای آرمان مغایر با نظام سلطه در مسیر ایستادن بر آرمان‌ها عملا درگیر شرایط «اقتصاد ریاضتی» خواهد شد؛ چون از یک طرف بنا بر سازش نیست و از طرف دیگر سازوکار لازم را برای تولید رفاه عمومی، عدالت و پیشرفت در شرایط وجود چالش فراهم نشده است. در اینجا تجربه کشورهایی مانند کره‌شمالی و کوبا تا حدودی با الگوی اقتصادی ریاضتی منطبق است. اقتصاد مقاومتی در واقع به نظام اقتصادی با خصوصیت ویژه مقاومتی بودن اطلاق می‌شود که کارویژه این نظام اقتصادی آن است که در شرایط وجود چالش بتواند اهداف اساسی خود را محقق سازد. لذا منظور از مقاومتی بودن، ایستادگی در برابر طوفان‌های بیرونی و ثمردهی در شرایط نامساعد است اما اقتصاد ریاضتی سرنوشت محتوم آن نظام اقتصادی است که با وجود داشتن آرمان مغایر با نظام سلطه نتوانسته باشد سازوکار لازم را برای پاسخ به چالش‌ها فراهم کند. این همان سرنوشت بدی است که باید از آن اجتناب کرد؛ زیرا در شرایط اقتصاد ریاضتی هزینه‌های زیادی به مردم و جامعه تحمیل می‌شود که ممکن است مسائل امنیتی مهمی را نیز بر اثر پایین آمدن سطح رفاه عمومی برای کشور ایجاد کند. لذا، اقتصاد مقاومتی الگویی برای احتراز از دو سرنوشت نامطلوب، یعنی اقتصاد ریاضتی و وابستگی اقتصادی است.

سطح‌بندی گام‌های پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

آیه شریفه ۲۹ سوره فتح یاران پیامبر اکرم (ص) را اینچنین توصیف می‌کند: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. (محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند؛ نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده پس آن را تقویت کرده تا ستبر و ضخیم شده و در نتیجه بر ساقه‌های خود محکم و استوار ایستاده است، به‌طوری که دهقانان را از رشد و انبوهی خود به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله این انبوهی و نیرومندی در مؤمنان، کافران را به خشم آورد و خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است). این آیه شریفه که در ابتدا و انتهای آن مواجهه با کفار جلوه‌گر است، الهام بخش سه مرحله تکاملی جامعه قرآنی است که شامل «مرحله توانمند شدن» در سطح زیرین، «مرحله پایداری» در سطح میانی و «مرحله شکوفایی» در سطح زبرین می‌شود. با الهام از این آیه کریمه گام‌های پیاده‌سازی و تحقق اقتصاد مقاومتی شامل سه گام ۱- توانمندسازی درونی، ۲- پایدارسازی ذاتی و ۳- الهام‌بخشی جهانی می‌شود. در اولین سطح آن که سطحی زیرین است گام توانمندسازی درونی با هدف تحکیم پایه‌های اقتصاد ملی در جهت دستیابی به یک اقتصاد «عدالت‌بنیان» طرح‌ریزی می‌شود. نتایج این سطح تحکیم بنیان‌های نظام اقتصاد ملی است و چنین شرایطی هنگامی تحقق خواهد یافت که عدالت، سلامت و امنیت اقتصادی در سطح قابل قبولی تامین شوند. این هرسه، اگرچه نیازهای فطری اولیه همه جوامع انسانی هستند، لیکن با تعابیر بسیار گسترده‌تری در اندیشه اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است که مجال بحث آن نیست. چنین شرایطی ریشه‌های اقتصاد ملی را مستحکم ساخته و زمینه را برای ایجاد شرایط پایداری در مرحله بعد فراهم می‌سازد. پیآمد این مرحله «توانمندی درونی» اقتصاد ملی است. در دومین سطح که سطحی میانی است گام تحکیم و پایدارسازی ذاتی اقتصاد ملی با هدف ایجا و تقویت شرایط مقاومت اقتصادی طرح‌ریزی می‌شود. نتایج این مرحله تامین شرایط مشارکت اقتصای و حضور ردم در صحنه اقتصاد ملی، تاب‌آوری اقتصادی در برابر تکانه‌های بیروی و نیز تحقق خوداتکایی راهبردی اقتصادی برای رفع آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ملی خواهد بود. پیامد این سطح ایجاد «پایداری ذاتی» اقتصاد ملی در برابر فشارها و تهدیدات اقتصادی دشمنان است. در سومین سطح که سطح زبرین است گام سوم اقتصاد مقاومتی یعنی تحقق شرایط اقتصاد دانش‌بنیان با هدف دستیابی به الهام‌بخشی جهانی اقتصاد ملی طرح‌ریزی می‌شود. نتایج این سطح از سیاست‌های اقتصادی تامین رشد اقتصادی پویا و با ثبات، تولید دانش‌بنیان و گسترش نفوذ اقتصادی نظام اسلامی در ورای مرزهای خود خواهد بود. پیامد این سطح الهام‌بخشی اقتصاد ملی در سطح جهانی است.

جمع‌بندی

امروزه اقتصاد از مولفه‌های مهم امنیت ملی کشورها و نظام‌های سیاسی است و راهبردهای اقتصادی در تحکیم قدرت ملی کشورها اثرگذاری قابل توجهی دارد. اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی با خصوصیت ویژه مقاومتی بودن توصیف می‌شود و کارویژه این نظام اقتصادی آن است که در شرایط وجود چالش بتواند اهداف اساسی خود را محقق سازد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران ابلاغ شده از جانب رهبر شهید انقلاب اسلامی به‌عنوان جامع سیاست‌های کلی اقتصادی گذشته و راهنمای سیاستی برای هر گونه سیاستگذاری اقتصادی در آینده برای پیاده‌سازی نیازمند نقشه راه در عرصه‌های مختلف است. بررسی آسیب‌شناسانه وضعیت موجود از منظر سطح‌شناسی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ایران نشان می‌دهد که در سطح زیرین، چالش‌های ثبات و امنیت و سلامت اقتصادی از قبیل ضعف در امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، رکود تورمی، نا اطمینانی، ناهماهنگی و بی‌ثباتی سیاستی و ضعف در مدیریت واردات فضای فعالیت اقتصادی را مشوش و غیر قابل اتکا می‌سازد. همچنین در این سطح چالش‌های عدالت اقتصادی مانند، شرائط نامطلوب درآمد هزینه خانوار، ناکارامدی نظام مالیاتی، ناکارامدی نظام بیمه‌ای و تامین اجتماعی، رانت جویی و ساختار دولت رانتی و مفاسد مالی و اقتصادی پایه‌های اعتقادی مردم را سست و در صحنه فعالیت اقتصادی نیز شرایط فعالیت سالم اقتصادی را از طریق جذب عوامل و منافع اقتصادی در یک رقابت نابرابر تنگ خواهند کرد. مجموعه این شرایط می‌تواند ساخت درونی اقتصاد ملی را تضعیف و توانمندی درونی اقتصاد ملی را با چالش جدی مواجه کند. در سطح میانی، چالش‌های تاب‌آوری اقتصادی، خوداتکایی و مشارکت همچون وابستگی اقتصاد به نفت، وابستگی الگوی مصرف به خارج، وابستگی تولید به خارج، ضعف در دیپلماسی اقتصادی، رواج اقتصاد غیررسمی و قاچاق، ضعف در شرایط حکمرانی خوب، عدم اجرای صحیح هدفمندی یارانهها و ضعف نهادهای اجتماعی و مردمی مجموعا آسیب‌پذیری اقتصادملی را موجب گردیده و از توان مقابله اقتصاد با تکانه‌های خارجی می‌کاهد. در سطح زبرین، چالش‌های رشد مانند رقابت‌پذیری اندک تولید، بهره‌وری نامطلوب عوامل تولید، وجود شکاف سرمایه انسانی دانشگاه و نیاز صنعت، وجود شکاف دانش فنی با جهان، ناکارامدی نهاد بازار و بخش خصوصی، ضعف اقتصاد دانش بنیان، ضعف ظرفیت‌سازی در بخش نفت، فضای نامناسب کسب و کار، عدم توسعه بازارهای مالی، عدم کارایی نظام بانکی و ضعف قوانین و الزامات نهادی تولید مجموعا موجب عملکرد ضعیف رشد اقتصاد ملی خواهند شد. در انتها پیشنهاد می‌شود تا به‌منظور اهداف مندرج در سند اقتصاد مقاومتی، در سیاست‌گذاری برای اجرای سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی لازم است تا اهداف موضوعی مورد عنایت قرار گیرند و سعی شود در اجرا به صورتی متوازن عمل شود. نکته مهمتر آن است که اگرچه نمی‌توان تقدم و تاخر زمانی برای گام‌ها در پیاده‌سازی مشخص کرد، لیکن توجه به سطوح سه گانه از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا سیاست‌ها باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شوند که اهداف توانمندسازی، پایدارسازی و الهام‌بخشی هر سه در عمل تحقق یابند، با این توجه که هر سطح سیاستی مبنایی برای سطح سیاستی بالاتر بوده و از این جهت اهمیت ویژه خواهد داشت.

منابع

- Adam Rose (2004), "Defining and Measuring Economic Resilience to Disasters", Disasters Prevention and Management, Volume 13 , Number 4, Pages 307-314.
- Karl Aiginger (2009) "Strengthening the Resilience of an Economy: Strategies to Prevent another Crisis," WIFO Working Papers 338, WIFO.
- Lino Briguglio & Stephen Piccinino (2012), "Growth with Resilience in East Asia and the 2008-2009 Global Recession," Asian Development Review, Asian Development Bank, Volume 29 (2), Pages 183-206.
- Lino Briguglio and et al (2006), "Conceptualising and Measuring Economic Resilience", University of Malta.
- Romain Duval & Lukas Vogel (2008) "Economic resilience to shocks: The role of structural policies," OECD Journal: Economic Studies, OECD Publishing, vol. 2008 (1), Pages 1-38.